سرمقاله

بدهی ۴۰ تریلیون دلاری آمریکا

ادامه از صفحه ۱

... به این موضوع مهم پرداخته شد. ماوراء گرایش‌های سیاسی داخلی و خارجی در آمریکا، پرسشی اساسی قابل طرح است و آن اینکه چگونه می‌توان ۴۰ تریلیون دلار بدهی دولت آمریکا را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ در پاسخ باید به «روند تجمیع بدهی‌های دولت آمریکا»، «گفتمان‌های جاری سیاسی و اقتصادی» و نهایتاً «معنای بین‌المللی بدهکاری دولت آمریکا» پرداخت.

در روندشناسی تجمیع بدهی‌ها باید گفت علی‌الاصول بدهی، عدم توازن بین دریافت‌ها و پرداخت‌ها و یا به تعبیر روشن‌تر، دخل و خرج است. بدهکاری دولت آمریکا یعنی عدم تناسب بین هزینه‌ها و درآمدها منجر به قرض گرفتن و بالا آوردن بدهی می‌شود. در پیشینه‌شناسی بدهکاری‌های دولت آمریکا باید گفت، از جنگ‌های استقلال در فاصله ۱۷۷۵ تا ۱۷۸۳، دولت آمریکا برای هزینه‌های جنگی، بدهکاری ۷۵ میلیون دلاری بالا آورد و در جنگ‌های داخلی از ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ و سایر جنگ‌های عمده در قرن بیستم، این بدهکاری‌ها افزایش یافت. اما در دهه‌های اخیر این بدهی روند صعودی پیدا کرده است. در دوره اول ترامپ بدهی تجمیع شده دولت آمریکا ۲۰ تریلیون دلار بود که به چند دلیل این بدهی‌ها افزایش پیدا کرد. در دوره‌های اول و دوم ترامپ؛ سیاست کاهش مالیات‌ها بر کمپانی‌های بزرگ یکی از دلایل کاهش درآمد دولت و افزایش بدهی‌ها بود. البته از تأثیر عامل بیماری همه‌گیر کووید در دوره اول ترامپ و افزایش هزینه‌ها نمی‌توان غفلت کرد. دلیل دیگر، افزایش بودجه نظامی به بالاتر از یک تریلیون دلار می‌باشد.

در دوره بایدن هم بیش از ۴ تریلیون دلار بدهی افزوده شد. اما دوره دوم ترامپ اوج این افزایش بدهی‌هاست و دلیل این افزایش، ترکیبی می‌باشد. کاهش مالیات شرکت‌های بزرگ از بیش از ۳۰ درصد به حدود ۲۰ درصد باعث شد مجموعه این مالیات‌ها ۹ درصد کل مالیات‌های جمع‌آوری شده باشد و بیش از ۵۰ درصد کل مالیات‌ها، مالیات‌های پرداخت شده توسط افراد می‌باشد. از سوی دیگر دولت ترامپ با شعار کوچک سازی دولت، از یکسو وزارتخانه جدیدی بنام کارایی راه‌اندازی کرد و از سوی دیگر حدود ۲۵۰ میلیون کارمند فدرال را از کار برکنار کرد. اما بخاطر افزایش هزینه‌های نظامی، عدم توازن بین دخل و خرج برجسته‌تر شد. ناگفته نماند جنگ‌های آمریکا در افغانستان و عراق، یکی از دلایل بدهی‌های انباشتی دولت آمریکا می‌باشد. علاوه بر هزینه‌های خدمات اجتماعی عمومی، بیمه همگانی و پرداخت‌های رفاهی نیز در این افزایش مؤثر بوده‌اند.

اما در خصوص بحث‌های جاری باید اشاره کرد که اولاً هر دو جزب دموکرات و جمهوریخواه در زمان‌هایی که در مسند قدرت قرار داشته‌اند، با افزایش هزینه‌های دولت، بدون سطح برابر دریافت‌ها بر این مشکل افزوده‌اند. لذا موضوعی که بدان پرداخته شد، محصول اقدامات دو حزب است. نکته دوم، در عین اینکه دو حزب در این روند نقش داشته‌اند، سیاست دولت‌های جمهوریخواه در افزایش نظامی گری و کاهش مالیات‌ها مخصوصاً کاهش مالیات ثروتمندان و کمپانی‌های بزرگ، نقش برجسته‌تری در این افزایش بدهکاری دارد؛ و نکته سوم آنکه علیرغم سنگین بودن این بدهی، در بین کارشناسان حوزه اقتصاد و سیاست، تهدید قابل توجهی برای نظام ایالات متحده محسوب نمی‌شود. علت این مسئله در پدیده‌ای بسیار مهم و قابل اعتنا می‌باشد و آن قوی بودن دلار به عنوان ارز بین‌المللی است. به عبارت دیگر، اوراق قرضه وزارت خزانه‌داری آمریکا توسط افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها با اطمینان از قابل نقد شدن خریداری می‌گردد. ژاپن ۱/۲ تریلیون، بریتانیا ۸۸۹ میلیارد و چین ۶۸۳ میلیارد از این اوراق را خریداری کرده‌اند. دلار قوی نشانگر هژمونی پولی و مالی ایالات متحده در اقتصاد جهانی است.

از این رهگذر باید به ابعاد بین‌المللی بدهی ۴۰ تریلیونی ایالات متحده توجه داشت. در ادبیات مربوط به ظهور و سقوط امپراتوری، مخصوصاً اثر معروف پال کندی، افزایش هزینه‌های نظامی و بالا رفتن تعهدات دفاعی یکی از عوامل افول تدریجی قدرت‌های بزرگ در یک چشم‌انداز تاریخی و تطبیقی قلمداد شده است. آیا ایالات متحده نیز در این چارچوب می‌گنجد؟ جواب ترکیبی می‌باشد.

از یک سو افزایش هزینه‌های نظامی آمریکا در ایجاد این تجمیع بدهی، بدون تردید مؤثر است. ولی از سوی دیگر این بدهی صرفاً ناشی از هزینه‌های نظامی نیست، بلکه هزینه‌های خدمات عمومی بهداشتی و رفاهی و کمک به اقشار فرودست نیز رقم قابل ملاحظه‌ای از این بدهکاری‌ها را تشکیل می‌دهد. اما موضوع دیگری که بدان اشاره شد و در بررسی ابعاد بین‌المللی بدهی ۴۰ تریلیون دلاری آمریکا مهم است، تسلط آمریکا بر نهادهای پولی و مالی بین‌المللی می‌باشد که می‌توان از آن بعنوان «هژمونی مالی آمریکا» یاد کرد. این هژمونی، دلار محور است و دلار، واحد اصلی معامله‌های بین‌المللی، پشتوانه ارزی و وسیله اصلی در تراکنش‌های اقتصادی در سطح جهان است و این امکان بزرگی به آمریکا برای مدیریت بدهی‌های خود داده است.

به تعبیر دیگر، آمریکا با داشتن بزرگترین اقتصاد جهانی با حجم سالانه ۳۰ تریلیون دلار، توانسته از نظر بین‌المللی موضوع افزایش بدهی‌های خود را مدیریت کند. اما نمی‌توان این واقعیت را از نظر دور داشت که این حجم بدهکاری همراه با دیگر سوء رفتارها و سوء گفتارهای رئیس جمهور آمریکا، ضربه‌ای به اعتبار جهانی آن کشور است.

دکتر سید محمد کاظم سجادپور
Alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می دهد

پایان جنگ در اختیار متجاوز نیست

اختصاصی پیام آشنا – اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری خود با تشریح مواضع جمهوری اسلامی ایران درباره جنگ، تحولات منطقه و مناسبات خارجی، تأکید کرد که ایران آغازکننده جنگ نبوده، اما اجازه نخواهد داد پایان جنگ بر اساس شروط طرف متجاوز تعیین شود. او در عین حال گفت جمهوری اسلامی برای دفاع از کیان و حاکمیت ملی هیچ مسامحه‌ای نخواهد داشت و در برابر فشارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی، از همه ظرفیت‌های خود استفاده می‌کند.

بقائی با اشاره به سالروز سوم شهریور و اشغال ایران در سال ۱۳۲۰، این رویداد تاریخی را یادآور اهمیت قدرت و اقتدار ملی دانست و گفت تجربه تاریخی ایران نشان داده است که بدون قدرت بازدارندگی، امکان دست‌اندازی بیگانگان وجود دارد. به گفته او، جمهوری اسلامی طی دهه‌های گذشته از این تجربیات برای تقویت توان دفاعی و افزایش اقتدار ملی استفاده کرده و دشمنان با وجود همه فشارها نتوانسته‌اند ملت ایران را به زانو درآورند.

پایان جنگ باشروط متجاوز تعیین نمی‌شود

مهم‌ترین بخش سخنان سخنگوی وزارت خارجه به چگونگی پایان جنگ اختصاص داشت. بقائی با تأکید بر اینکه ایران نه جنگ را آغاز کرده و نه آن استقبال کرده است، گفت: «اجازه نمی‌دهیم پایان جنگ براساس شروط طرف متجاوز باشد.» او همچنین تصریح کرد که مواضع مقام‌های رسمی کشور درباره دفاع از حریم ایران قاطع است و در برابر طرف‌های متجاوز مماشات نخواهد شد.

وی همزمان با اشاره به فشارهای اقتصادی و آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌ها، تأکید کرد که دولت شرایط معیشتی مردم را درک می‌کند و باید از هر ابزاری برای کاهش آلام اقتصادی استفاده شود. از نگاه دیپلماسی، دفاع از حاکمیت ملی و تلاش برای کاهش فشارهای اقتصادی، دو مسیر همزمان هستند و نباید یکی به بهای نادیده گرفتن دیگری کنار گذاشته شود.

تغییر تاکتیک در دیپلماسی

یکی دیگر از محورهای قابل توجه نشست، توضیح بقائی درباره تغییر رفتار دیپلماتیک ایران بود. او در پاسخ به تشبیه سیاست خارجی ایران به حرکت از «ضدرنج و صبر راهبردی» به «بوکر و ریسک‌پذیری» گفت ایرانی‌ها هم شطرنج‌بازان حرفه‌ای و هم پوکربازهای خوبی هستند و اکنون «ترکیبی بازی می‌کنیم».

این اظهارنظر را می‌توان نشانه‌ای از تلاش تهران برای تطبیق ابزارهای دیپلماتیک با شرایط جدید دانست؛ رویکردی که در آن مذاکره، صبر راهبردی، بازدارندگی و استفاده از اهرم‌های منطقه‌ای در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. بقائی همچنین در واکنش به بحث محاصره دریایی ایران تأکید کرد که تهران «دست بسته نیست» و تشدید چنین اقداماتی پیامدهای خود را خواهد داشت.

هرمز؛ از جنگ روانی تا پیام بازدارندگی

اظهارات آمریکا درباره وضعیت تنگه هرمز نیز بخش دیگری از نشست بود. بقائی ادعای باز بودن تنگه را «جنگ روانی و رسانه‌ای» خواند و با اشاره به اختلاف چشمگیر میان ارقام مطرح‌شده درباره تردد‌های دریایی، تلاش طرف مقابل برای مدیریت افکار عمومی را مورد انتقاد قرار داد.

در همین چارچوب، سخنگوی وزارت خارجه نسبت به در اختیار قرار دادن پایگاه‌ها و امکانات کشورهای دیگر برای عملیات علیه ایران هشدار داد و گفت چنین اقدامی از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند به منزله مشارکت در اقدام تجاوزکارانه تلقی شود. پیام تهران در این بخش روشن بود: هرگونه مشارکت در عملیات علیه ایران، از نگاه جمهوری اسلامی بدون پاسخ نخواهد ماند.

دیپلماسی منطقه‌ای؛ از پاکستان و عراق تا عمان

در حوزه سیاست همسایگی نیز بقائی بر اهمیت روابط ایران با پاکستان و عراق تأکید کرد. او سفر عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران را در چارچوب روابط رو به گسترش دو کشور دانست و سفر وزیر خارجه عمان را نیز مستقل از آن عنوان کرد؛ هرچند گفت موضوعات دوجانبه و مسائل مرتبط با امنیت تنگه هرمز در این رایزنی‌ها مطرح خواهد شد.

سفر محمدباقر قالیباف به عراق نیز از نگاه وزارت خارجه اهمیت ویژه‌ای داشت. بقائی گفت امنیت ایران و عراق به یکدیگر گره خورده و دو کشور باید مرزهای خود را به «مرزهای دوستی» تبدیل کنند. او همچنین درباره حواشی مربوط به نام خلیج فارس تأکید کرد مسائل جغرافیایی نباید به ابزاری برای ایجاد اختلاف میان ملت‌های منطقه تبدیل شود.

فشار اقتصادی و نگاه به زمستان

سخنگوی وزارت خارجه درباره تبعات جنگ بر زیرساخت‌های انرژی نیز گفت دستگاه‌های مسئول برای تأمین انرژی مورد نیاز زمستان تلاش می‌کنند و وزارت خارجه نیز در حوزه دیپلماسی برای تأمین نیازهای احتمالی با طرف‌های دارای ظرفیت انرژی در حال گفت‌وگو است.

در مجموع، سخنان بقائی تصویری از سیاست خارجی ایران ارائه می‌دهد که در آن دفاع، بازدارندگی، دیپلماسی فعال و کاهش فشار اقتصادی همزمان دنبال می‌شوند؛ سیاستی که پیام اصلی آن این است که تهران پایان جنگ را نه از مسیر پذیرش شروط طرف مقابل، بلکه از مسیر تأمین منافع ملی و حفظ حاکمیت کشور دنبال خواهد کرد.

پیام آشنا گزارش می دهد

ردیابی سوخت؛ حلقه گمشده مقابله با قاچاق

محبوبه بیدگی – قاچاق سوخت دیگر صرفاً مسئله‌ای در جاده‌هـای منتهی به مرز یا مخفی کردن چند گالن سوخت در خودروها نیست؛ مسئله اصلی به زنجیره‌ای بازمی‌گردد که از تولید و پالایش آغاز می‌شـود، از انبار و حمل‌ونقل عبور می‌کند و به جایگاه و مصرف‌کننده می‌رسد. در چنین زنجیره گسترده‌ای، هر جا که میزان واقعی ورود و خروج یا داده‌های ثبت‌شده فاصله بگیرد، امکان شـکل‌گیری تخلف و قاچاق ایجاد می‌شود. بر همین اساس، کارشناسان و مسئولان حوزه انرژی بیش از گذشـته بر عبور از نظارت سنتی و حرکت به سمت پایش هوشمند تأکید دارند.

ابعاد این مسئله نیز کوچک نیست. نایب‌رئیس کمیسیون انرژی مجلس در امرداد امسـال اعـلام کرد طبق آمار رسمی، روزانه حدود ۲۰ میلیون لیتر سوخت از کشور قاچاق می‌شود که ۹۰ درصد آن گازوئیل و ۱۰ درصد آن بنزین است. پیش از آن نیز مدیر طرح میترینگ و پایش لحظه‌ای شرکت ملی پالایش و پخش، رقم قاچاق روزانه را بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون لیتر اعلام کرده بود.

این ارقام زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که حجم عظیم گردش سوخت در داخل کشور را در نظر بگیریم. میانگین توزیع روزانه بنزین در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۳۰ میلیون لیتر رسید؛ رقمی که نسبت به سال قبل ۷ درصد افزایش داشت. در بخش گازوئیل نیز روزانه حدود ۱۳۰ میلیون لیتر تولید می‌شود و این فرآورده میان بخش‌های حمل‌ونقل، نیروگاه‌ها، کشاورزی، صنعت و سایر مصارف توزیع می‌شود.

وقتی عددها با واقعیت فاصله می‌گیرند

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، حسینی کیا در گفت و گو با پیام آشـنا، ریشه بخشی از مشکلات را نه در کمبود تولید، بلکه در ضعف فرآیندهای سنجش و اندازه‌گیری می‌داند. از نگاه او، نخستین گام برای مقابله با سوءاستفاده‌ها، دقیق کردن اندازه‌گیری از مبدأ تولید تا انبار و نقطه توزیع است؛ چرا که هرچه اطلاعات ورودی و خروجی دقیق‌تر و برخط‌تر باشد، امکان ایجاد اختلاف و انحراف در زنجیره کاهش پیدا می‌کند.

این نگاه، قاچاق را از یک پدیده صرفاً مرزی به یک مسئله حکمرانی داده تبدیل می‌کند. اگر میزان تولید، انتقال، تحویل و مصرف سوخت در سامانه‌های جداگانه ثبت شود اما این اطلاعات به شکل برخط با یکدیگر تطبیق داده نشوند، ممکن است تخلف زمانی شناسایی شود که سوخت از چرخه رسمی خارج شده باشد.

بنابراین، نظارت مؤثر باید پیش از رسـیدن محموله به مرز آغاز شـود. پالایشگاه، انبار، ناوگان حمل، جایگاه و مصرف‌کننده باید در یک زنجیره اطلاعاتی قرار گیرند تا برای هر محموله مشخص باشد سوخت از کجا آمده، با چه وسیله‌ای منتقل شده، در کجا تخلیه شده و در نهایت به چه میزان به مصرف رسیده است.

از کنتور تا هوش مصنوعی

در ایـن میان، هوشمندسـازی فرآینـد اندازه‌گیری می‌تواند نقطه شروع اصلاح باشد. نصب تجهیزات دقیق اندازه‌گیری، ثبت برخط ورودی و خروجی مخازن، رصد ناوگان حمل سوخت و تطبیق اطلاعات بارنامه با میزان واقعی سـوخت، امکان کشف اختلاف‌های غیرعادی را افزایش می‌دهد.

تجربه اجرای سامانه‌های جدید نیز نشان می‌دهد داده می‌تواند پیش از برخورد انتظامی، تخلف را شناسایی کند. سامانه «کاشف» در یک دوره ۹ ماهه توانسته از قاچاق حدود ۳۶۰ میلیون لیتر نفت‌گاز جلوگیری و ۶۹ هزار خودروی متخلف را شناسایی کند. این سامانه با استفاده از کلان‌داده و هوش مصنوعی، به جای اتکا به کنترل‌های صرفاً فیزیکی، الگوهای غیرعادی را شناسایی می‌کند.

نمونه دیگر، شناسایی کارت‌های سوخت نامعتبر است. در یک دوره دوماهه ۵۳۰ هزار کارت سـوخت نامعتبر شناسایی و از چرخه خارج شد و نتیجه آن صرفه‌جویی روزانه بیش از ۱.۳ میلیون لیتر بنزین بود. همین تجربه نشان می‌دهد که گاهی مقابله با هدررفت نه با افزایش تولید، بلکه با شناسـایی یک رفتار غیرعادی در داده‌ها امکان‌پذیر است.

هر لیتر، یک ردپای دیجیتال

هدف نهایی باید ایجاد یک «ردپای دیجیتال» برای هر لیتر سوخت باشد؛ به این معنا که از لحظه تولید تا زمان مصرف، اطلاعات آن قابل ردیابی و تطبیق باشد. در چنین ساختاری، اگر پالایشگاه مقدار مشخصی سوخت تحویل دهد اما در ادامه زنجیره، میزان دریافتی انبار، حمل، تخلیه و فروش با آن همخوان نباشد، سامانه می‌تواند پیش از تبدیل اختلاف آماری به قاچاق، هشدار صادر کند.

این همان نقطه‌ای است که نقش سامانه جامع انرژی نیز اهمیت پیدا می‌کند. تجمیع اطلاعات مصرف برق، آب، گاز و سوخت می‌تواند به شناسایی الگوهای غیرعادی کمک کند. برای نمونه، مصرف بسیار بالای برق در یک نقطه بدون تناسب با سایر شاخص‌های مصرف می‌تواند یک علامت هشدار برای بررسی بیشتر باشد. بنابراین، داده‌هـای انرژی زمانی بیشـترین ارزش را دارند که به صورت جزیره‌ای استفاده نشوند و امکان تحلیل متقاطع آنها وجود داشته باشد.

قاچاق؛ حاصل یک انگیزه اقتصادی

البته فناوری به تنهایی مسئله قاچاق را حل نمی‌کند. اختلاف شدید قیمت سوخت در داخل و بازار کشورهای همسـایه، همچنان انگیزه اقتصادی قدرتمندی برای قاچاق ایجاد می‌کند. سیدمحمدمهدی سیدی، مشاور مدیرعامل شـرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، در خرداد ۱۴۰۴ هدررفت سالانه ۶ تا ۸ میلیارد دلار از منابع کشور به دلیل قاچاق سوخت را اعلام کرده بود.

از این منظر، سیاست مقابله باید همزمان چند قلع داشته باشـد: مدیریت مصرف، اصلاح تدریجی و حسابشده سیاسـت‌های قیمتی، جلوگیـری از تخصیص‌های غیرشفاف، کنترل مرزها و مهم‌تر از همه، هوشمندسازی زنجیره توزیع.

واقعیت این است که برخورد انتظامی در انتهای زنجیره، آخریـن حلقه مقابله اسـت؛ در حالی که نقطه اصلی پیشگیری، جایی قرار دارد که اطلاعات تولید و مصرف ثبت می‌شـود. هرچه این اطلاعات دقیق‌تر، برخط‌تر و قابل تطبیق‌تر باشد، فضای مانور برای شبکه‌های قاچاق کوچک‌تر خواهد شد.

در نهایت، مقابله پایدار با قاچاق سـوخت را نمی‌توان فقط با افزایش کشفیات یا کنترل فیزیکی مرزها دنبال کرد. تجربه سـامانه‌های هوشمند نشان داده است که بخش مهمی از تخلف را می‌تـوان از روی داده‌ها پیش از خروج سوخت از شبکه رسمی شناسایی کرد. بنابراین، اگر قرار اسـت منابع انرژی به شکل عادلانه توزیع و از هدررفت میلیاردی‌ها لیتر جلوگیری شود، باید از «نگهبانی از سوخت» به سمت «ردیابی هوشمند سوخت» حرکت کرد؛ مسـیری که در آن هر لیتر سوخت، از پالایشگاه تا مصرف‌کننده، یک ردپای دیجیتال و قابل حسابرسی داشته باشد.

آگهی موضوع مـاده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانـون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی

برابر رای شماره ۱۲۰۱۹۷۹۲ - ۱۴۰۵۶۰۳۲۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۵/۲۶ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی اکبر سیف الهی فرزند سعدالله به شماره ملی ۱۲۱۹۸۶۲۹۸۳ در شتدانک یک قطعه باغ به مساحت ۴۲۵/۴۲ متر مربع از مالکیت تعمت اله خیلدار نسبت به پلاک ۵۹۸ فرعی از ۲۲۵ اصلی ذیل دفتر ۱۲۴۶ صفحه ۸۲ واقع در آقشت حوزه ثبتی ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل تمایل و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه ۲۲۵۸۸۳۸

نوبت اول ۱۴۰۵/۶/۲

نوبت دوم ۱۴۰۵/۶/۱۸

بشیر نعیم‌زاده
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساوجبلاغ
از طرف کریم انصاری

آگهی نوبتی سه ماهه اول قسمتی از املاک واقع در حوزه ثبتی ساوجبلاغ

طبق ماده ۱۱ و ۱۲ قانون ثبت کلیه املاک واقع در حوزه ثبتی ساوجبلاغ که درخواست آنها در سال ۱۳۴۳ پذیرش گردیده است جهت اطلاع عموم به شرح ذیل اعلام می گردد:

پلاک ۳۳۵ اصلی واقع در قریه آغشت

پلاک ۳۳۴ فرعی - مالکیت مه لقا خیلدار فرزند رحیم به ولایت شرعیه آقای رحیم خیلدار ششدانگ یک قطعه توتستان با حقابه از رودخانه اغشت مطابق معمول محل به مساحت تقریبی ۶۵۰ متر مربع

بدینوسیله به اشخاص حقیقی و حقوقی به ملک فوق از حیث مالکیت اعتراضی داشته باشند و یا بین آنان و متقاضی در ماجع قضایی دعوائی اقامه شده و در جریان باشد بر بر مقررات ثبت از تاریخ انتشار نوبت اول به مدت ۹۰ روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ تسلیم و رسید دریافت دارند. معترضین مکلفند ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، گواهی طرح دعوی در مراجع قضایی ذیلاح را تسلیم اداره ثبت نمایند در غیر این صورت حق واخواهی از آنان ساقط خواهدبود.

شناسه ۲۳۰۴۱۴۹

تاریخ انتشار آگهی نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱

بشیر نعیم‌زاده
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساوجبلاغ